

جوابی به برخی از سوالات آقای محمد رستگار

مطلب آقای رستگار "سوالی از کمونیست‌ها" در واقع بهانه برای لاپوشانی کردن جنایات سرمایه‌داری و دفاع از سازش طبقاتی است.

البته برای این که فرصت زیادی جهت نوشتن، جواب جداگانه نداشتیم جواب به سوالات ایشان را در داخل متن خود ایشان منتها با رنگ متفاوت نوشتیم تا خوانندگان هر دو را یک جا داشته باشند.

ایشان در مقام دفاع از سرمایه‌داری منتها با پوشش دفاع از شخصیت و حق و حقوق انسانی و شهروندی و بسیاری از پوشش‌های تبلیغاتی که سال‌هاست سرمایه‌داری و عوامل آن برای پنهان کردن واقعیت و جنایات خود و وجود مبارزه میان کارگران و سرمایه‌داری را با موضوعات زیبایی مانند همبستگی ملی و غیره، فریبکارانه پیش می‌برد همه‌ی موارد فوق را ایشان جهت اقدام به دفاع از منصور اسانلو و مایه‌یی برای حمله به کمونیست قرار داده است، بسیاری از گفته‌های آقای رستگار غیرواقعی هستند در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم. تمامی تلاش عوامل سرمایه‌داری در رابطه با موضوع اسانلو پنهان کردن وجود مبارزه میان سرمایه‌داری و کارگران است و در مقابل تلاش ما کارگران این است که صف دو طبقه در حال نبرد را واضح و شفاف نشان بدهیم و نشان بدهیم که منصور اسانلو در این مبارزه در صف دشمنان کارگران مشغول به خدمت شده است.

سوالی از کمونیست ها

*** سوالی از کمونیست ها ***

۱) از شما هموطن کمونیست این سوال را دارم حال که به علت شرکت آقای منصور اسانلو در جلسه ای با آقای رضا پهلوی، شما با شعار مبارزه با سرمایه داری شروع به حمله به آقای منصور اسانلو نموده اید. بدلیل این که منصور اسانلو اکنون تبدیل به ابزاری برای فریب توده ها در دست سرمایه داری شده است و ما باید ثابت کنیم که او علی رغم این که خودش به طبقه ی کارگر تعلق دارد ولی اکنون خدمتگزار سرمایه داری است تا سرمایه داران بیش تر غارت کنند و تا بتوانند غارت کرده های قبلی خود را بیش تر حفظ کنند این یکی از دلایل نه حمله به اسانلو بلکه افشای نقشه های جنایتکاران سرمایه داری و عوامل و خدم و حشم سرمایه داری مانند پهلوی ها که در روند تاریخی فرقی با خامنه ای جنایتکار ندارند، است. چرا به این سوال ساده پاسخ نمی دهید که آقایان شما چرا به جای روسیه، کره شمالی، کوبا، ونزولا، بولیوی، اکوادور و... کشورهای سرمایه داری غرب را برای زندگی انتخاب کردید؟! و حتی بسیاری از شما به کشورهای سرمایه دار غربی پناهنده شدید؟! جواب این سوال شما هم بسیار ساده است این که آقای محمد رستگار اگر بدون افکار ضدانسانی سرمایه داری بخوانید جواب را گرفته اید اولاً تمامی کشورهای که نام بردید (غیر از روسیه که اکنون خودش سرمایه داری است ولی طرفداران سرمایه داری هنوز تلاش می کنند برای فریب مردم آن را با شوروی یکی قلمداد کنند این خود یکی از نقشه های طرفداران سرمایه داری است) خودشان به سختی تحت محاصره ی کشورهای سرمایه داری قرار دارند و از این رهگذر نتوانستند برنامه ها و نقشه های انسانی خود را پیاده کنند تا

افراد مثل شما ببینید که حکومت انسانی یعنی چه و کشور های که شما برای ما نام می برید همگی زیر فشار اقتصادی، نظامی و سیاسی و تحریم های مداوم هرگونه توان اقتصادی و سیاسی خود را برای اجرای برنامه های انسانی خود از دست دادند و البته سرمایه داری جهانی نیز دقیقاً برای همین است که آن ها را از اولین روز انقلابشان تحت فشار قرار داده است تا آن ها موفق به پیاده کردن سوسیالیزم نشوند چرا که اگر یکی از آن کشورها بتوانند حتی به اندازه ی ده درصد سوسیالیزم را پیاده کنند تمامی مردم دنیا پس از دیدن کشور آن ها و شکوفایی حداقل ده درصدی آن در عرض یک روز تمامی سرمایه داری و افراد طرفدارش مثل شما و رضا پهلوی را به جهنم می فرستند و تمامی دنیا را به سمت سوسیالیزم رهنمون می شود و این را سرمایه داری خوب می داند برای همین است که کوبا بیش از ۵۰ سال است در تحریم اقتصادی بسر می برد که مبادا موفق شود. برای همین است سرمایه داری با رهبری آمریکا تلاش می کند هر سال حداقل یک کودتا در ونزوئلا راه بیندازد تا نظام جدید آن کشور را سرنگون کند که مبادا به سمت سوسیالیزم حرکت بکند یا حداقل با کودتا توانایی های اقتصادی آن کشور را نابود کند تا ضمن ایجاد نارضایتی از توانایی اقتصادی برای حرکت به سمت سوسیالیزم تهی شود شما خوب می دانید در شیلی نیز چنین کردند یا در کره شمالی نیز همین وضعیت را سرمایه داران ایجاد کرده است کشورهایی که نام بردید حتی یک روز از جنایات و تبلیغات سرمایه داری در امان نبودند که بتوانند به برنامه ها و خواسته هایشان عمل کنند و صد البته تحت چنین فشارها و تبلیغات دروغین امثال شماها و کل عوامل سرمایه داری بسیاری از آن ها نه تنها نتوانستند راه درست خود را پیش ببرند بلکه دچار انحراف نیز شده اند که این انحراف هیچ ربطی به کمونیزم و

سوسیالیزم ندارد بلکه حاصل و به دلیل جنایات و فشارهایی است که توسط سرمایه‌داری برای شکست دادن برنامه‌های انقلاب‌ها در این کشورها تحمیل کرده و می‌کنند مانند همان تحریمی که از روز اول انقلاب کوبا یا کره شمالی و بقیه از طرف آمریکا و شرکایش علیه این کشورها اعمال می‌شود برای این که درک کنید این تحریم‌ها چقدر کارساز است به گفته‌های جنایتکارانی چون مرکل، اوباما و ... گوش کنید آن‌ها خودشان اعلام می‌کنند تحریم‌های اقتصادی بسیار کارسازتر از حمله‌ی نظامی است آمریکا وقتی به کوبا حمله کرد و نتوانست آن کشور کوچک را شکست بدهد اقدام به تحریم اقتصادی کرد و این دلیل بسیار مهمی است که کوبا نتوانسته خواسته‌های انقلابی خود را پیاده کند ویتنام را نیز باید اضافه کرد وقتی با سلاح حمله‌ی نظامی نتوانستند ویتنام را شکست بدهند با سلاح تحریم اقتصادی به ویتنام حمله کردند این نشان می‌دهد که تحریم بسیار خطرناکتر از حمله‌ی نظامی است. بدون شک شما این‌ها را خوب می‌دانید ولی چون طرفدار سرمایه‌داری هستید این‌ها را پنهان می‌کنید. دوم: این که ما کمونیست‌ها یا دیگر انسان‌ها از کشورهای خودمان که به وسیله‌ی سرمایه‌داری داخلی مانند حکومت سرمایه‌داری اسلامی و سرمایه‌داری جهانی تحت رهبری آمریکا به شکل‌های مختلف تحت ظلم و ستم هستیم و دچار فقر و فلاکت می‌شویم و در مقابل مبارزه برای این که زندانی نشویم و کشته نشویم از کشور خود فرار می‌کنیم علی‌رغم این که ریشه‌های تمامی ظلم و ستم به سرمایه‌داری جهانی و داخلی بر می‌گردد ولی در فرار مجبور می‌شویم به کشورهای سرمایه‌داری پناهنده شویم چون که اولاً طبق گفته‌ی بالا کشورهایی که شما نام بردید خودشان مانند ما تحت ظلم و ستم سرمایه‌داری هستند امکان این که بتوانند ما را نجات بدهد را ندارند و در همین

حال ما به جایی می‌رویم که قبلاً سرمایه‌داران با حمایت سرمایه‌داری جهانی و حکومت‌های سرمایه‌داری ثروت و پول کشورهای ما را غارت کرده به آن جا بردند مثلاً نور چشمی شما پهلوی و دیگر جنایتکاران سلطنت سال‌ها قبل پول و ثروت ایران را دزدیده به آمریکا و اروپا برده‌اند و اکنون نیز جنایتکاران جمهوری اسلامی به دو شکل کار دزدی که پهلوی و اطرافیانش ۳۶ سال قبل انجام داده بودند حالا انجام می‌دهند یا به صورت عضوهایی از حاکمیت پول و ثروت ایران را در بانک‌های کشورهای سرمایه‌داری می‌گذارند یا مانند خاوری‌ها میلیاردها پول ایران را دزدیده به کانادا فرار می‌کنند بنا بر این هم دوستان خود شما پول‌های ما ایرانیان را به غارت برده در کشورهای سرمایه‌داری انباشت کرده و می‌کنند و هم مخالفین شما که در نظام کنونی هستند همین کار را می‌کنند بنا بر این ما وقتی مجبور به فرار می‌شویم به کشوری می‌رویم که قبلاً دزدها ثروت ما را به آن جا برده‌اند اگر ثروت‌های ایران به کشورهای مانند کوبا می‌رفت بدون شک آن‌ها می‌توانستند برنامه‌های انقلابی خود را پیاده کنند و در آن صورت سرمایه‌داری نمی‌توانست آن‌ها را تحت محاصره اقتصادی قرار بدهد و شما هم نمی‌توانستی امروز برای ما رجزخوانی بکنی. بنا بر این ما به دنبال ثروت دزدیده شده خودمان می‌رویم و شما بدانید هر جا که انواع مختلف دزدها ثروت ما ایرانی‌ها، عراقی‌ها، سوریه‌ها، اکرائینی‌ها و... را ببرند ما مردم به دنبال ثروت خودمان به آن جا خواهیم رفت. البته لازم به ذکر است که سرمایه‌داری نیز از این اجبار ما بسیار سود می‌برد اول این که اکثر کشورهای سرمایه‌داری دچار پیری جمعیت هستند و هم چنین بیش‌تر فراریان چه به دلیل سیاسی یا چه به دلیل دنبال آسایش گشتن یا چه به دلیل پرورش و استفاده از استعدادهای خود جزو استعدادهای

بالای جامعه خود هستند که کشورهای سرمایه داری از این بابت بسیار سود می برند به این دلیل است که با آغوش باز استقبال می کنند نه به دلیل انسانی یا دموکراتیک بودن و همین ها ابزاری برای تداوم سیاست های استثماری در آینده می شوند و از طریق این مهاجرت می توانند معطل پیری خود را حل کنند از طرف دیگر کارگران ارزان قیمت بدست می آورد و هم چنین بسیاری از انقلابیون را در جامعه ی خودشان هضم کرده به سازشکار تبدیل می کنند و از تجمع این سازشکاران و رفرمیست های قبلی مانند اسانلو لشکر دیگری برای روز مبادا جهت حمله ی فکری، ضدانقلابی و نظامی به نیروهای انقلابی داخل ایران یا کشورهای دیگر که در حین نابودی نظام حکومتی فعلیشان ایجاد خواهد شد استفاده نمایند برای این است که هزاران نفر را در آلترناتیوسازی های گوناگون مانند پهلوی و دارودسته اش و دیگر آلترناتیوها سازماندهی می کند. و ما مجبوریم علی رغم آگاهی از این همه جنایت تن به استثمار شدن بدهیم چون جای دیگری برای فرار نداریم و این خود وضعیتی است که سرمایه داری ایجاد کرده و ما که هیچ آزادی نداریم و در مقابل اجبار ما را شما عامل سرمایه داری وسیله ی تبلیغی علیه ما قرار می دهید یعنی شامورتی بازی سرمایه داری این است از یک طرف شرایطی ایجاد می کند که ما مجبوریم به خودش پناه بیاوریم از طرف دیگر پناه آوردن ما را دلیل خوبی خودش تبلیغ می کند در حالی که هر پناهنده به خاطر جنایات خود سرمایه داری از یک نقطه به یک نقطه ی دیگر سرمایه داری فرار می کند.

۲) آیا فکر می کنید در زمان سیستم مخوف و جهنمی ک. گ. ب. که برای شهروندان شوروی کمیته ها و کامسامول ها و پیانرها تعیین تکلیف می کردند زندگی می کنید و به حقوق شهروندی و مدنی جناب آقای اسانلو و استقلال

فردی ایشان احترام نمی گذارید؟! این ها تبلیغاتی است که سرمایه داری با داشتن دست بسیار بالا در رسانه ها توانسته پیش بیاورد و صد البته مغرضانه است برای کشف و اقعیت ها باید به کلیت موضوع پرداخت و سپس جنایات را به صورت مقایسه ای بررسی کرد ضمن این که حتی جنایات دوران استالین نیز بیش تر بدلیل فشارهایی بود که توسط سرمایه داری به آن کشور وارد می شد و چون توانایی مقابله نداشت جامعه بسته ایجاد کرده بود و آن جامعه ی بسته بدون شک نمی توانست از جنایت مبرا باشد اما هیچ کدام را به حساب کمونیزم و سوسیالیزم نمی توان نوشت چرا که توسط سرمایه داری در محاصره بوده و اقعیت های آن در آن زمان بیان نمی شد و اکنون هم وجود ندارد هر چه بیان می شود توسط دشمن بر زبان جاری می گردد و با توجه به شناختی که از دشمن داریم باید بپذیریم که گفته های سرمایه داری صد در صد دروغ است برای اثبات دروغ بودن گفته های سرمایه داری همین قدر کافی است که در جنگ حمله به عراق، آمریکا به تمامی خبرگزاری ها اعلام کرد هیچ خبری بدون تأیید پنتاگون نباید پخش کنید این ذات سرمایه داری است و جالب است که تنها یک خبرگزاری این دستور را رعایت نکرد و حقایق جنگ را پخش کرد آن خبرگزاری را با موشک زدند، آن خبرگزاری الجزیره بود این است جامعه ی دموکراتیکی که سرمایه داری مدعی آن است و یا حمله ای که توسط فرانسه بر علیه لیبی انجام داده است جنگ عراق با یک دروغ شروع شد که عراق سلاح شیمیایی دارد که بعداً خود سرمایه داری اعلام کرد دروغ بود از زمان شروع جنگ عراق تا کنون فقط در عراق ۷۰۰۰۰۰ نفر توسط نقشه های آمریکا کشته شده اند افغانستان، سوریه، یوگسلاوی، سودان و... به این آمارها اضافه کنید معلوم می شود که جنایتکار اول کیست و کدام است با توجه به این که

سرمایه داری در قدرت است و فقط یک درصد از جنایات او مشخص می‌شود بقیه را توان پنهان کردنش را دارد.

از طرف دیگر حقوق شهروندی و مدنی که با آن‌ها فضل فروشی می‌کنید در سرمایه‌داری چیزی بیش از دروغ فریب نیست این‌جا مبارزه بین سرمایه‌داری و کارگری است سرمایه داری به همه چیز مجهز است و با توانایی که دارد بخشی از کارگران را به مهره‌های خود تبدیل می‌کنند و با استفاده‌ی ابزاری و مترسکی از آن‌ها مانند اسانلو اقدام به حمله و فریب کارگران می‌کند و وقتی ما تلاش می‌کنیم نقشه‌ی سرمایه داری را افشا کنیم افرادی مثل شما با سواستفاده از دروغ‌های سرمایه داری مانند همان حق شهروندی و یا حق مدنی می‌خواهید مبارزه‌ی شفاف را خلط مبحث کنید شما کجا بودید وقتی سرمایه‌داری ما را به بهانه‌های مختلف می‌کشت در آمریکای لاتین توسط کسنجر ۳۰۰۰۰ کمونیست ترور شد، کجا بودید وقتی در زندان ابوغریب عوامل سرمایه‌داری حق شهروندی و حق مدنی را زیر پا می‌گذاشتند کجا بودید وقتی ساواکی‌ها پهلوی تحت نظر سیا ناخن می‌کشیدند یا با سیگار و اطو مبارزان را می‌سوزاندند شما کجا بودید وقتی حکومت اسلامی در دهه‌ی شصت انقلابیون را قتل عام می‌کردند و حکومت‌های سرمایه‌داری شما سکوت اختیار کرده بودند چرا آن زمان دم از حق شهروندی یا حق مدنی نمی‌زدید حالا که ما بدون داشتن هیچ قدرتی اقدام به افشای سازشکاری می‌کنیم یادتان می‌آفتد که از حق شهروندی یا حق مدنی آواز سر دهید البته که ما دوست داریم شما و همه‌ی انسان‌ها از حق شهروندی و حق مدنی حرف بزنید اما همیشه مانند خود ما پایبند به این حقوق باشید نه این که هر وقت به سود سرمایه داری بود حرف بزنید هر وقت به زیان سرمایه داری بود با

موشک الجزیره را بزنید یا این که ما اعتقاد داریم جمهوری اسلامی فرقی با حکومت آمریکا ندارد هر وقت حکومت آمریکا نیاز به جنایت داشته دست به جنایت زده است همانگونه که حکومت اسلامی دست به جنایت زده است منتها حکومت اسلامی توانایی پنهان کردنش کم است جنایاتش زود افشاء می شود ولی آمریکا توانای زیادی در پنهان کردن جنایاتش دارد مثلاً هم حکومت ایران ایمیل ها را چک می کند و تلفن ها را شنود می کند و هم آمریکا و متأسفانه شما یک بام و دو هوا بازی می کنید شنود و چک کردن آمریکا را افشا نمی کنید ولی برای ایران را افشاء می کنید ولی ما هر دو را افشاء می کنیم به همین دلیل از نظر ما اسانلو اکنون عامل سرمایه داری است باید افشاء شود ولی از نظر شما اسانلو در خط سرمایه داری و یکی از عوامل صف آمریکا قرار دارد بنا بر این نباید افشاء شود از این بابت است که خودتان را با موارد زیبایی نمایشی تبلیغاتی مانند حق شهروندی، حق مدنی و یا بهانه قرار دادن موضوع شوروی و کوبا و غیر به دفاع از ابزار سرمایه داری به نام منصور اسانلو می پردازید و وانمود می کنید که دارید حق دموکراتیک و دموکراسی را ادا می نمایید ولی باید خدمت شما عرض کنم در مبارزه ی طبقاتی همه ی این حقوق طبقاتی است بیان کردن آن ها از طرف هر کسی باشد یا به سود طبقه ی سرمایه داری است یا به سود طبقه ی کارگر چیز خنثی یا شق ثالثی وجود ندارد من آنقدر صداقت دارم که می گویم برای دفاع از مجموعه حقوق کارگران بحث و مبارزه می کنم ولی شخص شما و خود اسانلو چون جراثیم ندارید بگویید که در مبارزه میان کارگران و سرمایه داری دارید از سرمایه داری دفاع می کنید بنا بر این خودتان حمایت از سرمایه داری را پشت نقابی به نام دفاع از حق شهروندی، دفاع از حق مدنی، دفاع از همبستگی ملی و... پنهان می کنید و مثال هایی مانند

کشورهای کوبا، شوروی، کره شمالی و... که همگی تبلیغاتی هستند چاشنی برای پنهانکاری و فریبکاریتان بکار می‌گیرید اگر ذره‌ای صداقت دارید بگویید در مبارزه میان کارگران و سرمایه‌داران دارید از سرمایه‌داری دفاع می‌کنید چنین صداقتی را نه شما نه اسانلو و نه دیگر همزمانتان ندارید چرا که سراسر مبارزه‌ی سرمایه‌داری در فریب و نیرنگ پوشیده شده است و تمامی تلاش ما این است که این پرده را کنار بزنیم تا واقعیت سرمایه‌داری را به مردم نشان بدهیم که خود این به بخش بزرگی از مبارزه میان کارگران و سرمایه‌داران تبدیل شده است. در این ترس و وحشت منصور اسانلو حتی جرئت نکرده برای روشن شدن واقعیت‌ها در مصاحبه‌های با مخالفینش شرکت کند بلکه تمام زورش را زده تا همفکران و همزمانش را که در صف سرمایه‌داری برای پنهان کردن واقعیت و پوشاندن زشتی فریبکارانه عملکرد سرمایه‌داری و این که خودشان آلت دست از سرمایه‌داری هستند با تبلیغات دروغین همبستگی ملی پنهان کند. چگونه می‌توان کاری که امروز در گرسنگی بسر می‌برد با پهلوی که از محل دزدی‌های ثروت ایران در ناز و نعمت زندگی می‌کند در همبستگی ملی در یک صف قرار داد آیا این فریبکاری نیست آیا خاوری را یا هاشمی رفسنجانی را یا خامنه‌ای یا سلطنت‌طلبان را که از دست رنج کارگران، مفتخوری می‌کنند می‌توان با کارگرانی که با فقر و فلاکت زندگی می‌کنند در یک صف به نام همبستگی ملی قرار داد؟ آیا این فریبکاری نیست؟ اگر اسانلو آلت دست نیست و می‌تواند ثابت کند که همبستگی کارگران با سرمایه‌داران ممکن است چرا از بحث با مخالفین فرار می‌کند؟

۳) برای امثال شما آقای اسانلو وقتی که زندان بود بیش تر ارزش داشت تا با زدن عکس ایشان در سایت و برنامه‌های تلویزیونی هرچه می‌خواهید

بگویند و البته آقای اسانلویی که دیگر خود حضور دارند و با همان شخصیت مستقلی که از رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (شرکت واحد) بودند و فعال سندیکالیست ایرانی بودند و بارها بدلیل مبارزات کارگری و تلاش برای احقاق حقوق کارگران شرکت واحد و اتوبوسرانی در زندان‌های نظام جمهوری اسلامی که بسیاری از شما در حمایت و پیدایش این نظام جهانی با شعار مبارزه با سرمایه داری دست داشتید زندانی شدند و عزیزترین جگرگوشه هایشان هم چون برادرشان جناب آقای افشین اسانلو رئیس پیشین هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که از فعالان کارگری و زندانی سیاسی بود و در زندان رجایی شهر جمهوری اسلامی جان باختند را از دست دادند و بسیاری از بستگان جناب آقای اسانلو گرامی همانند عروشان توسط سرکوبگران جمهوری (!) اسلامی آخوندی شکنجه شدند، طبیعی است که چنین فرد خودساخته ای که شخصیت مستقلی دارد و حاضر نیست سرسپرده تصمیمات محفلی که در زمان حاکمیت جهانی کمونیست‌ها بر شوروی مرسوم بوده باشد این رفتار ایشان و عملکرد مستقل از فرامین شما برایتان دردناک باشد. آقای محمد رستگار برای ما دردناک این است که برای دفاع از حق و حقوق کارگری خودمان مجبوریم با آدم ناآگاهی مثل شما بحث کنیم یک مورد کافی است که ثابت کنم شما هر چه می گوید تبلیغاتی و دروغ است و آن این است که آقای افشین اسانلو هرگز رئیس هیأت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نبوده حتی ایشان عضو هیأت مدیره هم نبوده است و بقیه ی حرف هایی را که زده ای هم درست مانند همین مورد در بهترین حالت از روی ناآگاهی است. این تناقض را باید خود منصور اسانلو حل کند که چگونه

می شود یک کارگر تحت برنامه های سرمایه داری فعالیت بکند و در همان حال ادعای استقلال هم داشته باشد؟ پول از سرمایه داران، تلویزیون از سرمایه داران برنامه ریزی از سرمایه داران، محیط فکری و فضای موجود همه سرمایه داری است و... حال در چنین شرایطی چگونه می توان ادعای داشتن استقلال کرد احتمالاً یک نوع جادوگری و شعبده بازی است که آقای اسانلو و بسیاری از خدمتگزاران سرمایه داری بلد هستند. دشمن اصلی کارگران سرمایه داران و حکومت سرمایه داری است چگونه می توان با دشمن همبستگی ملی اعلام کرد و در همان حال اعلام کرد مستقل هستیم؟

۴) درباره ی حکومت سیاه کمونیست ها از آتش زدن و منفجر کردن کلیساها و فرستادن منتقدان نظام کمونیستی به اردوگاه های مرگ کار اجباری «گولاک ها» در سیبری از قرار دادن «اشتراف باردها» مسلح به تیربار و مسلسلی که هزاران سربازان روسی که در میدان نبرد زیر حمله ی سنگین مجبور به عقب نشینی می شدند آن ها را می کشتند.

از پاکسازی قومی از طریق کثیف ترین شکل ممکن یعنی گرسنگی دادن مردم اوکراین و مرگ میلیون ها اوکراینی (۱۰ میلیون اوکراینی) معروف به «گالاداموریا» «هولودومور» اوکراین از کشتار بیست و دو هزار شهروند لهستانی در جنگل «کاتین» که باوجود این که لهستانی ها این کشتار وحشیانه را کار کمونیست ها می دانستند اما کمونیست ها با وقاحت هر سال برای این کشتار مراسم برگزار می کردند اشک تمساح می ریختند و این کشتار را به آلمانی ها نسبت می دادند تا این که در زمان ریاست جمهوری یلتسین تمام مکاتبات کمیته ها و نامه نگاری کمونیست ها با استالین و امضاء استالین و

فرمان این کشتار در اختیار خبرنگاران قرار گرفت و کمونیست‌ها پس از ده‌ها سال انکار رسوا شدند.

از کشتار و حذف‌های درون‌حزبی و تیرباران و قتل‌بسیاری از افسران صاحب‌نام، از فاجعه‌ی نیروگاه اتمی چرنوبیل در اوکراین در زمان کمونیست‌های شوروی که تا وقتی که آمریکا با ماهواره متوجه این فاجعه شد و جهانیان را آگاه کرد اوکراینی‌ها خبر نداشتند و تازه فهمیدند چه بلایی سرشان آمده اما دیگر دیر شده بود و بسیاری از آن‌ها به خاطر کتمان و مخفی‌کاری کمونیست‌ها دچار اشعه‌های رادیو اکتیو شده بودند و هزاران اوکراینی با زجر و بیماری سخت مردند و تا هم اکنون در مناطق نزدیک به چرنوبیل کودکان ناقص با بیماری‌های صعب‌علاج به دنیا می‌آیند و از پاکسازی قومی که کمونیست‌ها در قفقاز و از جمله جنایت‌هایی که در حق میلیون‌ها تاتار انجام دادند.

از حمله به افغانستان و کشتار برادران افغانی ما از هموطنانی که عضو حزب توده بودند و از مرز می‌گذشتند تا به کعبه آمال خود بروند اما توسط کمونیست‌ها زندانی و شکنجه می‌شدند و به اردوگاه‌های مرگ کار اجباری فرستاده می‌شدند که بسیاری از آن‌ها در اردوگاه‌های طاقت‌فرسای کار غریبانه جان باختند و معدود هموطنانی که پس از فروپاشی سیستم جان سالم به در بردند به نوشتن جنایات کمونیست‌ها در اردوگاه‌های جهنمی کار پرداختند.

از همکاری کمونیست‌ها و فاشیست‌ها و بستن انواع قراردادهای نظامی و اقتصادی تا قرارداد شرم‌آور میان کمونیست‌ها و فاشیست‌ها و تقسیم لهستان بین شوروی و فاشیست‌ها و حمله کمونیست‌ها به کشورهای لیتوانی، استونی

و فنلاند، و الحاق کشورهای حوزه ی بالتیک و از همه مهم تر، تمام بخش شرقی لهستان به روسیه که خیر این پیمان دنیا را تکان داد و پیمان اتحاد شوروی- نازی عملاً سرنوشت لهستان را رقم زد، زیرا این کشور به لحاظ جغرافیایی از متحدان غربی اش فاصله داشت و کمک مستقیم نظامی به آن تقریباً ناممکن بود. فرانسه که دور نبود چرا متحدانش به فرانسه کمک نکردند و فرانسه به تصرف آلمان درآمد آقای رستگار هر وقت به موضوع تصرف فرانسه جواب واقعی بدهی آن زمان خود جواب تمامی سوالات تبلیغی خودت را دریافت خواهی کرد. و کمونیست ها با هیتلر همکاری می کردند و هیتلر مصم به تصرف سرزمین های بیش تر شد و بسیاری جنایات و فجایع رخ داده به دست کمونیست ها تنها با ذکر اشاره هایی می گذرم اما نسبت به یک موضوع نمی توانم ساکت باشم.

و آن هم حمایت بسیاری از چپ ها از نظام ارتجاعی آخوندی در زمان تأسیس نظام جمهوری (!) اسلامی و حتی تا سال ها بعد از سال ۵۷ آن هم نظامی که رهبرش خمینی بود که فرمان قتل و ترور احمد کسروی (تاریخ نگار، زبان شناس، پژوهشگر، حقوقدان و اندیشمند ایرانی) را داد و مخالف مصدق و موافق کاشانی بود و در زمان انقلاب سفید مخالفت علنی خود را نسبت به حق رأی زنان و مخالفت در دفاع از حقوق آزادی بانوان و ضدیت با تساوی حقوق زن و مرد را علنی ابراز نموده بود و درس تأسیس حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه را در نجف به آخوندها تدریس نموده بود و فرمان مستقیم کشتار هموطنان در نادادگاه های انقلاب از جمله اعدام سپهبد خلبان نادر جهانبانی را توسط خلخالی داده بود... که جالب است توده ای هایی همانند کیانوری و عمویی با افتخار از همکاریشان با خامنه ای و رفسنجانی گفته اند

و رهبر فداییان اکثریت (فرخ نگهدار) که با شعار مبارزه با سرمایه داری و مبارزه با استکبار خواستار مسلح شدن سپاه به سلاح های سنگین برای تارومار نمودن مخالفان و خواستار معرفی مخالفان به سپاه شده بود هم اکنون خودش در کشور انگلستان زندگی می کند!

آقای محمد رستگار تمامی سوالات شما باز با یک جواب داده می شود بروید از خود فرخ نگهدار بپرسید که آقای فرخ نگهدار آیا شما کمونیست هستید؟ ما کارگران اگر این همه قدرت که شما می گوئید داشتیم، خودمان حکومت را بدست می گرفتیم، در حالی که برای این ما نتوانیم حکومت کارگری تشکیل بدهیم سرمایه داری جهانی در مقابل انقلاب یک برنامه رژیم پنج پیش برد و دست نشانده جنایت کار قبلی را که با کودتا سر کار آمده بود (کودتایی که توسط سیا، ارتش، سلطنت طلبان، با همکاری خود مصدق و کل جبهه ی ملی و اطرافیانش و با کمک و حمایت آیت الله کاشانی و با عدم انجام وظیفه توسط حزب توده که به کارگران ایران خیانت کرده به پیروزی رسید و کودتای فوق توانست ضمن سر کار آوردن پهلوی دست نشانده نه حکومت مصدق را بلکه بستر و زمینه ی انقلابی را که می توانست سرمایه داری را سرنگون بکند و حکومت کارگری را برقرار بکند محو نابود نماید برای اثبات این موضوع ده ها سند تاریخی وجود دارد.) برداشت و برد و یک دست نشانده ارتجاعی تر، هارتر و کمی رهاتراز نظر افسار وابستگی به آمریکا نسبت به دست نشانده ی قبلی به مردم انقلابی ایران تحمیل کرد (یعنی این که خود آمریکا روی حکومت جمهوری اسلامی به عنوان یک دست نشانده به اندازه ی قبلی تسلط نداشت ولی در چهارچوب سرمایه داری کاملاً همان بود که سرمایه داری لازم داشت و تمامی کارهای دیکنه شده سرمایه داری را که دست نشانده قبلی توانایی انجامش

را نداشت دست نشانده جدید همه ی آن ها را می توانست انجام بدهد از این لحاظ جمهوری اسلامی صدبار بهتر از سلطنت برای سرمایه داری جهانی عمل کرد در واقع دعوی شما با جمهوری اسلامی دعوی دو جناح مختلف سرمایه داری (با هم است) و در روند تلاطم دوران فروکش کردن انقلاب اتفاقات بدون برنامه ای رخ داده که شما اکنون از آن ها سؤاستفاده های وارونه و تبلیغاتی می کنید در حالی که ما هرگز به جمهوری اسلامی کمک نکردیم بلکه این ملی گراها، نهضت آزادی ها، بنی صدرها و حتی بخش بزرگی از سلطنت طلبان، مانند بسیاری از فرماندهان ارتش شاهنشاهی به دستور آمریکا و ساواکی ها به دستور سیا به برقراری جمهوری اسلامی کمک کردند و ما در واقع مقابل عمل انجام شده قرار گرفتیم و همه به دست جنایتکاران باقی مانده ارتجاع شکست خورده (سلطنت) و ارتجاعي پیروز قتل عام شدیم و همان زمان سرمایه داری آگاهانه سکوت کرده بود چون نقشه خودش بود که ما کشته شویم همانگونه که سیا در تمامی دنیا کمونیست ها و کارگران انقلابی را ترور می کرد و حالا با تبلیغات دروغین این تقصیر را نیز به گردن ما می اندازید. من می دانم که شما قصدتان از طرح این همه سوالات در هم و برهم و دروغین و تبلیغاتی جواب گرفتن نیست و الا یکی یا دو تا را طرح غیر تبلیغاتی می کردید و جواب می گرفتید بنا بر این نه من وقت جواب دادن به سوالات تبلیغی شما را دارم و نه شما گوشی برای شنیدن حقیقت بلکه حتی سوال کردن شما یک مبارزه میان کارگران با سرمایه داران و عوامل آن هاست بنا بر این به مبارزه می پردازیم سرمایه داری توانسته برای فریب توده کارگران که اکنون هر روز مبارزه اش بیش تر می شود یک کارگر را به آلت دست خود تبدیل کند و شما آن را دارای استقلال می نامید و من او را آلت دست سرمایه داری علیه

کارگران می دانم و از طرفی سرمایه داری تمام زورش را می زند که مبارزه میان سرمایه داری و کارگران را پنهان کرده و با عنوان همبستگی ملی تعریف کند و برای جا انداختن این فریبکاری از آلت دست خودش استفاده می کند و ما کمونیست ها برای افشای نقشه ی سرمایه داری دست به افشای دست نشاده اش می زنیم و سرمایه داری برای مقابله اقدام به استفاده ی ابزاری و تبلیغاتی از موضوع حقوق شهروندی، حق مدنی، دموکراسی و ... و هم چنین برای تحت پوشش و پنهانکاری قرار دادن و تحت شعاع قرار دادن بحث های شفاف امروزی مبارزه میان کارگران و سرمایه داری اقدام به طرح سوالاتی می کنید که حقانیتشان تا زمانی که سرمایه داری سرنگون نشده است روشن نخواهند شد، اگر شما ذره ای صداقت دارید به جای خلط مبحث و طرح سوالات تبلیغی بیاید فقط در مورد مبارزه امروزی بین سرمایه داران و کارگران و سرمایه داران چه به شکل جهانی و چه به شکل جمهوری اسلامی در مورد این که اسانلو در کجا قرار دارد و آیا او به سود کارگران کار می کند یا سرمایه داران بحث را پیش ببریم و اگر سرمایه داری واقعاً همبستگی ملی را دنبال می کند ابزارهای تبلیغی و رسانه هایش را بطور مساوی در اختیار کارگران نیز قرار بدهد آنگاه معلوم می شود که در مورد همبستگی ملی راست حرف می زند نه این که با پول های چپاول شده از کار کارگران هزاران رسانه در دست دارد و از همان رسانه ها که پولش از غارت کارگران تأمین شده بر علیه کارگران تبلیغ بکند و در نهایت بگوید همبستگی ملی را می خواهیم این همان دروغی است که شما هم می گوئید اما کارگران حق استفاده از آن رسانه ها برای گفتن حرف مستقل خودشان را نداشته باشند این جا باید شعر

میرزاده عشقی را آورد که می گوید بر این پدر و ملت و تاج و تخت و همبستگی ملی و... باید....

این است آن سعادت که برای خلق می خواهید؟! اگر دشمنی و کشت و کشتاری که شما سرمایه داران و طرفداران سرمایه داری با مواردی که در بالا گفته شد نبود، البته خلق ها می توانند سعادت برای خودشان به بار بیاورند و احتیاجی به ما ندارند ولی جنایت ها، استثمار و فریبکاری شما سرمایه داران و عوامل سرمایه داری آنقدر فراوان و وحشتناک است هر خلقی که بر می خیزد تا خود را نجات بدهد چنان به جنایت و قتل و کشتار دست می زنید که حاج واج می مانند مانند سوریه، عراق، افغانستان، اکنون اکراین و....

دوباره می پرسم کمونیست های عزیز شما چرا به جای روسیه، کره شمالی، کوبا، ونزولا، بولیوی، اکوادور و... کشورهای سرمایه داری غرب را برای زندگی انتخاب کردید؟! و حتی بسیاری از شما به کشورهای سرمایه دار غربی پناهنده شدید؟!

قضاوت با شماست محمد رستگار

چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۹۳

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری